

به مناسبت روز جهانی دریاها؛ کودکان، سفیران آینده اقیانوس هاپرگزار می شود؛ اجرای ویژه برنامه‌ای آموزشی و فرهنگی برای کودکان در شهر ساحلی نوشهر



ایستگاه اقیانوس شناسی استان مازندران با همکاری شهرداری نوشهر و اداره آموزش و پرورش شهرستان نوشهر به مناسبت روز جهانی دریاها، ویژه برنامه‌ای آموزشی و فرهنگی برای کودکان برگزار می‌کنند.

به گزارش اقتصادسراسر آمد، در این برنامه، کودکان ضمن آشنایی با محیط زیست دریایی و ساحلی، در فعالیت‌های پاکسازی ساحل و نقاشی با موضوع دریا شرکت خواهند کرد. آثار نقاشی کودکان نیز با نام خودشان در آلبومی ویژه در پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی نگهداری خواهد شد.

زمان: یکشنبه ۱۷ خرداد، ساعت ۹ تا ۱۱ صبح مکان: ساحل سینرا، نوشهر

از خانواده‌های گرامی دعوت می‌شود با همراهی فرزندان خود در این برنامه آموزشی و مفرح حضور یابند و گامی کوچک اما ارزشمند برای حفاظت از دریاها و اقیانوس ها بردارند. دریاها؛ زندگی، امید و آینده ما هستند.

مزمان با روز جهانی اقیانوس صورت گرفت؛ **عرضه آثار تخصصی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی در طاقچه**



عرضه آثار تخصصی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی در طاقچه به مناسبت روز جهانی اقیانوس، پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی با همکاری شرکت دانش بنیان طاقچه، چند عنوان از آثار تخصصی خود را در حوزه علوم دریایی و قطبی در قالب کتاب الکترونیکی در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. به گزارش اقتصادسراسر آمد، در ادامه همکاری این پژوهشگاه با پلتفرم کتساب الکترونیکی طاقچه، کتاب «شناساوزی‌های دریایی، با تأکید بر موجودات پلانکتونی خلیج فارس و دریای عمان (جلد اول)» به قلم حمید رضایی و با همکاری نفیسه امینی، مهسا مسجدی، فاطمه پورجمعه و مریم حکیم‌الهی در این سامانه منتشر شد.

همچنین کتاب «سفر به جنوبگان، قاره یخی» نوشته دکتر محمدرضا شکری که روایتگر گزارش سفر ۹۹ روزه نخستین پژوهشگر ایرانی به قاره جنوبگان است، در کنار کتاب‌های «اطلس جامع محیط‌شناسی جنوبگان» (جلدهای اول و دوم) و «جنوبگان؛ سر ماه پنهان» نوشته مهیار مجیدی، از دیگر آثار منتشر شده در این مجموعه هستند.

عرضه این آثار با هدف گسترش دسترسی عمومی به منابع علمی در حوزه اقیانوس‌شناسی، محیط‌های دریایی و مناطق قطبی انجام شده و امکان بهره‌مندی پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان از این منابع را در سراسر کشور فراهم می‌کند.علاقه‌مندان می‌توانند با نصب اپلیکیشن طاقچه یا مراجعه به وب‌سایت این پلتفرم، نسخه الکترونیکی کتاب‌های منتشر شده توسط انتشارات پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی را تهیه و مطالعه کنند.



سرتیبه گروه راهبردی- مرتضی فاختری - در روزگاری که جهان خود را به نظم نهاده‌شده حقوق بشر و فرهنگ صلح می‌بالد، هنوز آتش جنگ‌ها آن چنان بی‌پروا می‌سوزد که خشت خشت هویت جمعی یک سرزمین را به خاکستر بدل می‌سازد. تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در بازه زمانی نهم اسفند ۱۴۰۴ تا نوزدهم فروردین ۱۴۰۵، نه فقط پیکره زیرساخت‌های دفاعی و اقتصادی کشور را نشانه رفت، بلکه با آوار کردن دست‌کم ۱۴۰ اثر تاریخی در ۲۰ استان، مرتکب جنایتی شد که در اسناد بین‌المللی از آن به «جنایت علیه میراث فرهنگی مشترک بشریت» یاد می‌شود. آنچه در نگاه اول رقم مادی خسارت -هفتاد و پنج هزار میلیارد ریال معادل هفت هزار و پانصد میلیارد تومان - به نظر می‌رسد، تنها گوشه کوچکی از فاجعه است. ارزش‌های معنوی و هویتی که در این آثار متبلور شده‌بود، هرگز با

هیچ معادله مالی قابل محاسبه نیست. با این حال، حقوق کفیری بین‌المللی ابزارهایی هرچند ناقص اما قدرتمند برای پیگرد مرتکبان چنین جنایاتی فراهم آورده و اکنون پرسش اساسی این است: چگونه می‌توان از این ظرفیت‌ها برای محاکمه عاملان تخریب میراث فرهنگی ایران استفاده کرد و چه موانع و راهکارهایی در این مسیر وجود دارد؟ اساسنامه رم دیوان کفیری بین‌المللی که در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسید و در ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد، نقطه عطفی در تاریخ حقوق کفیری بین‌المللی محسوب می‌شود. ماده هشت این سند، فهرستی از مصادیق جنایات جنگی را برمی‌شمارد و در بند ۲ از بخش (ب) خود تصریح می‌کند: «حمله عمدی به بناهای مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه، ابنیه تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع مجروحان و بیماران، در صورتی که این مکان‌ها اهداف نظامی نباشند» جنایت جنگی محسوب می‌شود. بی‌درنگی آمریکا و رژیم صهیونیستی در بمباران مناطقی از ایران که میزان آثار ثبت‌شده ملی و جهانی بودند، بدون ارائه هیچ سند یا استنادلی دال بر کاربرد نظامی آن بناها، به وضوح در شمول این ماده جای می‌گیرد. اما اثبات جنایت جنگی، تنها با استناد به متن ماده هشت پایان نمی‌پذیرد. دادستان دیوان کفیری بین‌المللی باید چهار مؤلفه کلیدی را احراز کند: وجود یک درگیری مسلحانه بین‌المللی، عمدیت در هدف قرار دادن آثار فرهنگی، فقدان ضرورت نظامی برای تخریب، و تناسب نداشتن میزان تخریب با هرگونه هدف مشروع نظامی. تجاوز هوایی گسترده و اعلام‌شده از سوی دو دولت متجاوز به خاک ایران، شرط اول را به سادگی برآورده می‌سازد. گزارش وزارت میراث فرهنگی و گردشگری ایران که آسیب دیدن ۱۴۰ اثر را در استان‌هایی چون تهران با ۶۳ اثر، اصفهان با ۳۳ اثر و گلستان با ۱۲ اثر مستند کرده، قرینه قوی بر هدف‌گیری سیستماتیک نه تصادفی این بناهاست. تمرکز تخریب در مناطقی با تراکم بالای میراث تاریخی مانند میدان نقش جهان اصفهان، کاخ‌های قاجاری تهران یا برج‌های تاریخی گرگان، این پرسش را پیش می‌کشد که چگونه یک حمله هوایی با ادعای هدف قرار دادن تأسیسات نظامی، این چنین «هنرمندانه» میراث فرهنگی را نشانه می‌رود. پاسخ روشن است: با اطلاعات

نظامی مهاجمان چنان ناقص بوده که نتوانسته‌اند میان یک پالایشگاه سوخت و یک مسجد تاریخی تمایز قائل شوند که در آن صورت نقض فاحش اصول احتیاط و تفکیک در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی رخ داده و یا عمداً این آثار را هدف قرار داده‌اند تا ریشه‌های هویتی و حافظه جمعی جامعه هدف را پاک کنند. هر دو حالت، ذیل ماده هشت اساسنامه رم قابل پیگرد است. با این حال، دیوان کفیری بین‌المللی با موانع عملی و سیاسی بزرگی در پرونده تخریب آثار تاریخی ایران روبرو است. نخست و مهم‌ترین مانع، عدم عضویت ایران در اساسنامه رم است. ایران اگرچه در سال ۲۰۰۰ اساسنامه را امضا کرد، اما هرگز آن را تصویب ننمود و رسماً به دیوان نپیوسته است. بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی (کامپلمانтарыتی) دیوان، این‌س دادگاه تنها زمانی می‌تواند وارد رسیدگی شود که دولت متبوع مظنون یا متهم «ناتوان یا بی‌میلی واقعی» به تعقیب و مجازات مرتکبان داشته باشد. در مورد جنایات جنگی ارتكابی توسط اتباع آمریکایی و اسرائیلی علیه اتباع ایران، دیوان نمی‌تواند صرفاً بر اساس محل وقوع جرم (بم) صلاحیت اعمال کند، مگر اینکه ایران به عنوان دولت غیر عضو، صلاحیت دیوان را به طور خاص برای این واقعه بپذیرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد می‌تواند پرونده را به دیوان ارجاع دهد، اما با توجه به حق وتوی آمریکا و متحدانش، این سناریو تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. مانع دوم، وضعیت حقوقی خود رژیم صهیونیستی است. اسرائیل اساسنامه رم را امضا نکرده و از اعضای دیوان نیست. همچنین فلسطین به عنوان دولت عضو دیوان، صلاحیت دادگاه را برای جرائم ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی پذیرفته، اما جنایات علیه ایران در آسمان ایران، در صلاحیت سرزمینی دیوان بر اساس عضویت فلسطین قرار نمی‌گیرد. مانع سوم، اصل مصونیت دولتی است. مقامات عالیرتبه آمریکا و رژیم صهیونیستی که ممکن است مسئولیت فرماندهی یا صدور دستور این حملات را داشته باشند، تحت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از مصونیت شخصی برخوردارند، مگر آنکه کشور متبوع آنان این مصونیت را نقض کند که در عمل رخ نمی‌دهد.

با وجود این موانع سخت، راهکارهایی برای پیگیری بین‌المللی این پرونده وجود دارد که می‌تواند فشار حقوقی و سیاسی قابل توجهی بر مرتکبان وارد آورد. نخستین و فوری‌ترین اقدام، ثبت شکایت دقیق و مستند به دادستان دیوان کفیری بین‌المللی است. حتی اگر دیوان مستقیماً نتواند تحقیقات رسمی را آغاز کند، وجود چنین پرونده‌ای در دفتر دادستان، به عنوان سابقه عمومی، مانع از فراموشی بین‌المللی این جنایت می‌شود. دولت ایران می‌تواند اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان را به طور خاص برای «جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی در بازه زمانی تعیین‌شده» صادر کند. هرچند این اعلامیه از نظر حقوقی برای تحمیل صلاحیت بر اتباع کشورهای غیر عضو کافی نیست، اما به دیوان امکان می‌دهد در صورت تغییر شرایط سیاسی یا ارجاع شورای امنیت، بلافاصله وارد عمل شود. دومین مسیر حقوقی، استفاده از ظرفیت‌های دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) است. ایران می‌تواند

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

جنایت علیه یک تمدن

تحلیل حقوقی «تخریب ۱۴۰» اثر تاریخی ایران در جنگ تحمیلی

صهیونی - آمریکایی

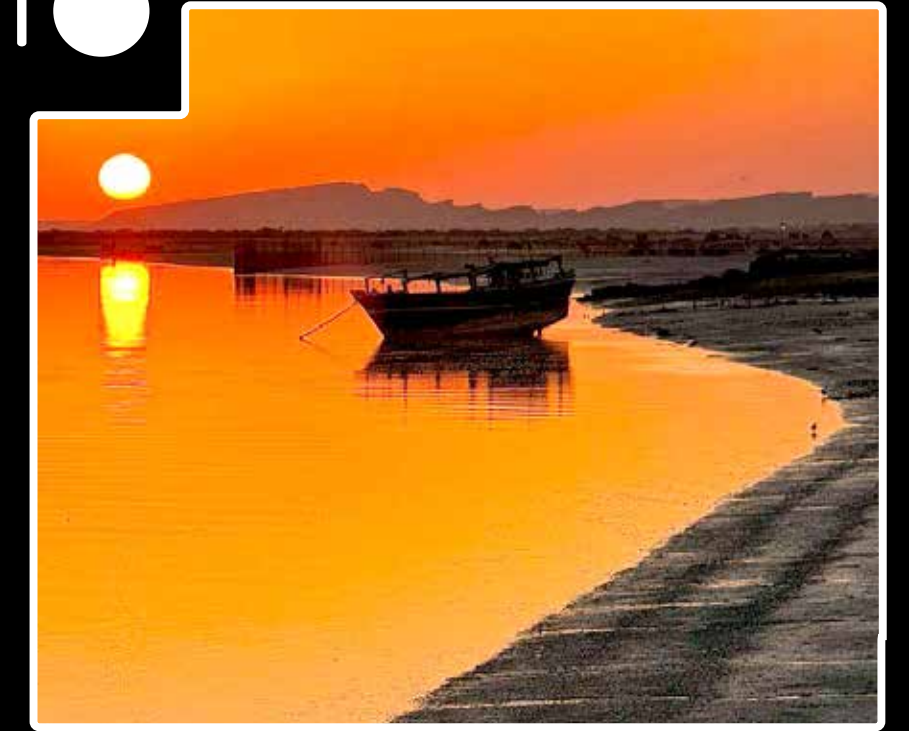
ارگا اومنس (نسبت به همه جامعه بین‌المللی) محسوب می‌شود. نقض این تعهد، به همه دولت‌ها و نه فقط دولت بزه‌دیده، حق اعمال اقدامات متقابل قانونی و دیپلماتیک را می‌دهد.

برای تبدیل این ظرفیت‌های نظری به اقدام عملی، دولت ایران باید یک راهبرد چندلایه و هماهنگ را در پیش گیرد. لایه اول، مستندسازی دقیق و فنی با استفاده از فناوری‌های بالا، و گزارش‌های کارشناسی بین‌المللی مستقل است. هرچه مدارک فنی و غیرقابل انکار بیشتر باشد، امکان طرح دعوا در محاکم بین‌المللی و فشار به دولت‌های میزبان فرماندهان متهم بیشتر می‌شود. لایه دوم، دیپلماسی حقوقی فعال با کشورهای عضو دیوان کفیری بین‌المللی به ویژه اعضای اتحادیه اروپا که روابط حسنه‌ای با ایران دارند برای دریافت حمایت سیاسی و فنی از مسیر صلاحیت جهانی است. لایه سوم، راه‌اندازی یک کمپین بین‌المللی با همکاری نهادهای مدنی، اتحادیه‌های دانشگاهی، شورایی بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) و ایکوموس (ICOMOS) برای محکومیت عمومی تخریب آثار فرهنگی ایران و ایجاد موجی از افکار عمومی علیه عاملان است. تاریخ نشان داده که فشار افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی گاه بیش از آرای قضایی مؤثر بوده است. لایه چهارم، تشکیل پرونده کفیری در دادگاه‌های ملی کشورهای که قانون موسوم به «صلاحیت جهانی» را در قوانین داخلی خود پذیرفته‌اند. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی قوه قضائیه ایران می‌تواند با وکلای برجسته بین‌المللی در آن کشورها هماهنگ شود و شکایات کفیری مستقیم علیه فرماندهان نظامی آمریکایی و اسرائیلی که در سلسله فرماندهی حملات به میراث فرهنگی نقش داشته‌اند، تنظیم و تقدیم کند.

در پایان، حتی اگر به دلیل موانع سیاسی و ساختاری، هیچ‌یک از این مسیرها به محاکمه مستقیم مرتکبان نینجامد، ارزش اصلی این اقدامات حقوقی و دیپلماتیک در ثبت تاریخ، ثبت روایت، و مصون‌سازی حافظه جمعی است. حقوقی بین‌الملل، و بازسازی عزمی جمعی برای آنکه دیگر هیچ بمبی نتواند بدون مجازات بر پیکر میراث مشترک بشریت فرود آید. ماده هشت اساسنامه رم، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، پروتکل اول ژنو، و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، همه و همه یک پیام روشن به متجاوزان می‌دهند: «میراث فرهنگی در زمان جنگ، خط قرمز جامعه بین‌المللی است.» سؤال اینجاست که آیا جامعه بین‌المللی اراده پاسداشت این خط قرمز را دارد یا آنکه همچنان، سکوت و معاشات، فاتحه‌ای دیگر بر تارک تمدنی خواهد خواند که گویندگانش، سوگوار گوشه‌ای از هویت خود نشده‌اند؟ راه پیگیری حقوقی باز است، اما بستن این راه یا پیمودن آن، آزمونی دشوار برای صداقت نظام حقوقی بین‌الملل و اراده سیاسی قدرت‌های جهان خواهد بود.

بدون شرح

قاپ دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی - اقتصاد سرآمد